

Memorials of Balkhī Gods Based on Legal and Economic Documents

Siyyid Sa‘īd Riḏā Muntaziri*

Amīr ‘Imāduddīn Ṣadri**

(Received: 2019-07-08; Accepted: 2019-12-29)

Abstract

Balkh has always been the focus of researchers, and one of the political, commercial and economic centers and an important stop on the Silk Road. Balkhi is one of the Middle Eastern Iranian languages and the documents obtained in this language contain precise information about the religious, social, and economic conditions of the people of this region. In this article, which is written on the basis of legal and economic documents, we intend to deal with the religious system and the memorials of the gods of this area and determine what relationship these gods had with each other. We also try to show whether their belief system has had an impact on their economic and legal system; and whether the deity worshiped in these documents correspond to the orthodox beliefs of Zoroastrianism. The method of this article is descriptive-analytical using Balkhi legal and economic documents (from the fourth to the eighth century AD).

Keywords: Economic Documents, Legal Documents, Balkh, Balkhi Language, Gods.

* Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Fārābī Campus, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), ssmontazery@ut.ac.ir.

** PhD Graduate in Ancient Culture and Languages, University of Tehran, Tehran, Iran am_sadry@yahoo.com.

پژوهش‌های ادیبانی

سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۲۲۵-۲۴۰

یادکردهای ایزدان بلخی بر اساس اسناد حقوقی و اقتصادی

سید سعیدرضا منتظری*

امیر عمادالدین صدری**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۸]

چکیده

بلخ همواره در کانون توجه محققان، و از مراکز سیاسی، تجاری و اقتصادی و توقفگاهی مهم در جاده ابریشم بوده است. زبان بلخی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است و اسناد به‌دست‌آمده به این زبان حاوی اطلاعات دقیق از اوضاع و احوال دینی، اجتماعی، و اقتصادی مردمان این ناحیه است. در این مقاله، که بر اساس اسناد حقوقی و اقتصادی نوشته شده، بر آنیم تا به نظام دینی و یادکردهای ایزدان این ناحیه بپردازیم و مشخص کنیم که این ایزدان چه رابطه‌ای با یکدیگر داشته‌اند. همچنین، می‌کوشیم نشان دهیم که آیا نظام باوری و اعتقادی آنها تأثیری بر نظام اقتصادی و حقوقی‌شان داشته است یا خیر؛ و آیا ایزدان پرستش‌شده در این اسناد با باورهای راست‌کیشانه زرتشتی مطابقت دارد یا خیر. روش این مقاله توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد حقوقی و اقتصادی بلخی (از سده چهارم تا هشتم میلادی) است.

کلیدواژه‌ها: اسناد اقتصادی، اسناد حقوقی، بلخ، زبان بلخی، ایزدان.

* استادیار گروه ادیان و عرفان، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ssmontazery@ut.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران am_sadry@yahoo.com

مقدمه

ایران خاوری در زمان اشکانیان و ساسانیان، از مراکز مهم شکوفایی بازرگانی در آسیا و محلی مناسب برای گفت‌وگوی فرهنگ‌های ایرانی، هندی، چینی، یونانی و دین‌های زرتشتی، مانوی، بودایی و دیگر باورهای هندی بوده است. از مراکز مهم این ناحیه می‌توان به سغد، ختن و بلخ اشاره کرد. از بین این نواحی بلخ جایگاه مهمی در تحقیقات تاریخی و تمدن‌های ایرانی داشته است؛ هم به دلیل زبان بلخی که از شاخه‌های مهم زبان‌های ایرانی گروه شمال شرقی است و هم به دلیل مرکزیت سیاسی، تجاری و اقتصادی و توقفگاه مهم در جاده ابریشم.

درباره تاریخ بلخ بحث‌های بسیاری شده است. نخستین اشارات به بلخ به کتیبه داریوش برمی‌گردد و سپس شکل‌گیری دوره کوشانیان که در آن بلخ به مرکز تجاری مهمی تبدیل شد، و یکی از نقاط اساسی در جاده ابریشم بود و از لحاظ شهرسازی هم پیشرفت‌های عظیمی در آن صورت گرفت. در دوره اسلامی هم، این شهر فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت و همواره یکی از نواحی محل نزاع دولت‌های اسلامی همچون طاهریان، صفاریان و سامانیان بود و بارها در معرض هجوم، تاراج و ویرانی حکومت‌های مغول و ترک قرار گرفت.

اما در باب زبان بلخی باید گفت تنها زبان ایرانی میانه شرقی است که نظام نوشتاری‌اش به دلیل استیلای فرهنگ یونانی در آن ناحیه بعد از دوره هخامنشی بر پایه الفبای یونانی پایه‌ریزی شد. زبان بلخی در سال‌های پایانی دهه پنجاه سده بیستم میلادی با انتشار کتیبه سرخ کتل کشف شد. از این زبان چندین کتیبه، سکه، مهر و تعداد اندکی سند به دست آمد. در ادامه کشفیات دیگر از اسناد بلخی در دهه نود قرن بیستم، شماری دیگر از کتیبه‌ها و اسناد به زبان بلخی کشف شد که حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره این ناحیه بود. یکی از موضوعاتی که در این اسناد به آن اشاره شده باورها، عقاید و رسوم است که به‌اختصار، آن هم در یادکرد ایزدان، ذکر شده است. اکنون اگر بخواهیم به دین بلخ بپردازیم و همه سکه‌ها، مهره‌ها، کتیبه‌ها و اسناد را بررسی کنیم فهرستی دراز از ایزدان به دست می‌آید. بررسی تمام این اسناد، فهرست ایزدان و به تبع آن باورهایشان کاری بس دشوار و حجیم است. پس در این گفتار صرفاً ایزدان بلخ و به دنبال آن نظام دینی ناحیه بلخ را بر اساس اسناد حقوقی و اقتصادی بررسی می‌کنیم.

سیمزویلیامز در BDI اسناد تاریخدار را به ترتیب تاریخ با حروف بزرگ انگلیسی نام‌گذاری کرده است، مثلاً کهن‌ترین سند تاریخدار را **A** نامیده و به همین ترتیب تا **Y**. اسنادی که پس از انتشار BDI به دست آمده‌اند با دو حرف بزرگ و کوچک یکسان نام‌گذاری شده‌اند و حرفی انتخاب می‌شود که آن سند، به سند آن حرف، از نظر زمانی نزدیک‌تر باشد، مثلاً تاریخ سند **Aa** نزدیک‌تر از همه اسناد به تاریخ سند **A** است. تاکنون ۱۲ سند حقوقی و ۲۵ سند اقتصادی به دست آمده است که عبارت‌اند از:

اسناد حقوقی

الف. پیمان ازدواج: **A**

ب. اهدای ملک: **C, T**

ج. آزادی برده: **F**

د. اقدام به مصالحه: **X, Uu, S, R, O, N**

ه. اهدا: **Nn**

و. بیانیه حقوقی به صورت نامه سرگشاده: **Y** (Sims-Williams, 14-19; BD1: 14-19)

2001: 9-19

اسناد اقتصادی

الف. رسید: **Aa, B, E, G, H, K, M, ac, an**

ب. قرارداد خرید ملک: **I, Ii, J, L, Nn, V, W, aa, ab**

ج. قرارداد اجاره تاکستان: **m, U**

د. عبارتی برای پرداختی ملک: **D**

ه. قرارداد خرید برده: **P**

و. قرارداد وام پول: **Q**

ز. قرارداد وام صد درهم: **Ss**

ح. سیاهه هزینه‌ها: **al** (Sims-Williams and de Blois, 2005: 185; BD1: 14-19)

در ادامه، ابتدا ایزدان و نظام دینی در ناحیه بلخ را بر اساس اسناد حقوقی و اقتصادی بررسی می‌کنیم. سپس با شرح کارکردهای این ایزدان مشخص می‌کنیم که مردمان آن ناحیه به دلیل موقعیت خاص و مهمش، بیشتر تحت تأثیر ایزدان ایرانی بوده‌اند یا هندی،

و این ایزدان، بر اساس اسناد، چه گستره‌ای در ناحیه بلخ دارند.

۱. ایزدان بلخی بر اساس اسناد حقوقی

ایزدانی که در اسناد حقوقی بلخی نام برده شده‌اند دو ایزدند:

الف. بغ و خش (/waxš/ 𐭕𐭅𐭎𐭅)

بنا بر اسناد **O**، **Tt** و **Uu**، ایزد رودخانه و خش یا آمودریا است. توصیف این ایزد در سند **O** چنین است: «بغ و خش، شاه بغان، که در ستوف^۱ می‌پرستند». در سند **Tt**: «بغ و خش، شاه بغان، بخشنده توجه و برآورنده آرزوها، که جایگاهش در لیزگ^۲ است». در سند **Uu**: «بغ و خش، شاه بغان، ورجاوند (= شگفت‌انگیز) و نیک‌نام، که او در لیزگ سپاس می‌شود و جایگاهش [در آنجا است]». به نظر می‌رسد بغ و خش در جاهای گوناگون سرزمین بلخ پرستیده می‌شده است (Sims-Williams, 2001: 243; BD2: 80-81; BD1: 14-15, 18-19, 20-21).

ب. بغ گمرد (/kamird/ 𐭕𐭅𐭎𐭅𐭌𐭅)

با معنای تحت‌اللفظی «سر» یا «رئیس» بازمانده **kamirda* ایرانی باستان (در ختنی *kamala* «سر») احتمالاً نام ایزد نبوده بلکه لقب او بوده است. نام این ایزد فقط در سند **T** به کار رفته است. در این سند گمرد با عناوین شاه بغان، بخشنده توجه و برآورنده آرزوها آمده است. در این سند موبد این ایزد *κηδο /kēd/* نامیده شده که بی‌گمان منشأ اصطلاح چینی *ji-duō* است. خوانزانگ این اصطلاح را برای ستایشگران ایزد «ژون»، خدای زابلستان، به کار برده است. از این رو سیمزویلیامز احتمال می‌دهد که گمرد همان ایزد ژون باشد (BD2: 220, 222; سیمزویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۰۱-۱۰۲).

از بین این شواهد برخی ایزدان هم هستند که در نام‌های خاص آمده‌اند:

۱. ایزد گمرد در نام خاص *𐭕𐭅𐭎𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅𐭌𐭅* /kamirdfar/ به معنای «دارنده فره [خدای] گمرد» در اسناد **T2**, 5, 8, 13, 17, 4', **X** 4, 10, 11, 23, 24 آمده است (Sims-Williams, 2010: 75).

۲. یمه یا جم (/yamš/ 𐭕𐭅𐭎𐭅) در **C11** ایزدی است که نام خاص شده است. «یمش‌بندگ» *𐭕𐭅𐭎𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅𐭌𐭅* /yamšvandag/ «بنده یمش» به عنوان نام خاص در

A22, 24f و «یمش داد، یم‌داد» /yamšlād/ ιαμρολαδο «داده‌شده به وسیله یمش» به عنوان نام خاص در F5 و /yamšspāl/ ιαμροσπαλο «از سپاه یمش» در C6 به کار رفته است (Ibid.: 67-69).

۳. مهر (/mīr/) در نام‌های خاص /mīr/ μίρο، مهر در X4, 10, 12, 17, 24, Y3, 6, 8, 11, 17, 23 «مهربندگ» /mīrvandag/ μίροβανδαγο به معنای «بنده مهر» در C9 و /əspālmīr/ ασπαλομίρο به معنای «از سپاه مهر» در A6 و نام خانوادگی «برزمهران» /burzmīrān/ βορζομίρανο به معنای «از خاندان مهر بلند» در N13 به کار رفته است (BD2, p. 204; Sims-Williams, 2010: 36, 51, 88-89).

۴. ایزد ژون (/žūn/) (ζῶνο /žūnlād/ «ژون‌داد» ζῶνολαδο در O4, 6' و «ژوداد» /žūlād/ ζῶλαδο در ζῶλαδο در Tt8, 18, Uu12, 17, 20f به معنای «داده‌شده به وسیله ژون» به کار رفته است (Sims-Williams, 2010: 65-66).

۵. ایزد رام در نام خاص /sit/ σίτο (صورت خلاصه‌شده از ραμοσίητο /rāmsēt/ به معنای «روان رام») در R3, S3, 11 به کار رفته است (Ibid.: 129).

تأثیر اسلام در متأخرترین سند؛ با شگفتی می‌بینیم که آخرین سند، یعنی سند Y، با عبارت /pid nām yezid/ πῖδο ναμο ιεζῖδ «به نام ایزد (= خدا)» آغاز می‌شود. این سند در سال ۷۸۲ م، پس از هجوم تازیان به بلخ، نوشته شده است و احتمالاً تأثیر سندنویسی مسلمانان با آغاز سند به «بسم‌الله» را نشان می‌دهد (BD1: 144, 145).

۲. ایزدان بلخی بر اساس اسناد اقتصادی

ایزدانی که در اسناد اقتصادی ذکر شده‌اند عبارت‌اند از: الف. بغ و خش؛ ب. بغ رام ست

الف. بغ و خش (/waxš/ οαχπο)

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، ایزد رودخانه است که در واقع همان آمودریا بوده و در اسناد W, L, Nn, U, V از آن نام برده شده و توصیفش در Nn چنین است: «بغ و خش، ورجاوند (= شگفت‌انگیز)، بخشنده توجه و برآورنده آرزوها، که نام (=آوازه) و اعجازش به همه زمین رسیده است». در سند L از پرستش او در «ورنو»، و در اسناد U و W از پرستش او در «گنداره» سخن رفته است. توصیف او در سند V چنین است: «بغ و خش،

بخشنده توجه و برآورنده آرزوها، سترگ (= بزرگ) و ورجاوند (= شگفت‌انگیز)، که او در اینجا، کاه^۳ سپاس می‌شود» (Sims-Williams, BD1, pp. 64, 106, 114, 126; BD2, p. 243; 2001: 13).

ب. رام ست (ραμοσιτο / rāmsit/)

در سغدی r'mcytk/ βγγ و برگرفته از ایرانی باستان *rāma-čaita نام ایزد به معنای «روان رام» است و در اوستا از ایزد rāman یاد شده و در اسناد بلخی PQ و Ss از آن نام برده شده است. در سند Ss فقط از آن نام برده‌اند اما در اسناد P و Q توضیحات این ایزد چنین است: «بغ رام ست، بخشنده توجه و برآورنده آرزوها، ورجاوند (= شگفت‌انگیز)، که او در اینجا، در مروگان، سپاس داشته می‌شود». شاید این ایزد فقط در مروگان و شاید در گوزگان نیز پرستیده می‌شده است؛ زیرا سند Ss از گوزگان است (BD1, pp. 82, 88; BD2, p. 259; Sims-Williams, 2001: 19).

اما در اسناد اقتصادی، مانند اسناد حقوقی، در نام‌های خاص نیز از آنها ذکری به میان آمده است:

الف. ایزد و خش

نام ایزد و خش در نام‌های خاص «و خش ماریگ» /waxšmārēg/ و «و خش و نیند» [و خش و نند؟] /waxšwanind/ به معنای «پیروز در میان و خش» در aa6f «و خش یمش» /waxšyamš/ (ترکیبی از و خش و یمش در L14, 17) و «برده شده با و خش» /waxšburd/ در V6, 34, 33 نیز به کار رفته است (Sims-Williams, 2010: 103-105).

ب. ایزد رام

در نام خاص «رام گول» /rāmguł/ شاید به معنای «از خاندان رام» در Iv2 و نام خانوادگی «رامان» /rāmān/ در II10 نیز به کار رفته است (Sims-Williams, 2010: 119).

ایزدانی هم فقط در نام‌های خاص آمده است که عبارت‌اند از:

۱. یمه یا جم (/yamš or yamšu/) نام ایزدی است که نام خاص شده است. این نام در C11, I6', II17 هم آمده است. یمش بندگ /yamšvandag/ یعنی

«بنده یمش» به عنوان نام خاص در Ss3 و /yamšwanind/ iamšwanind یعنی «پیروز در میان یمش»، به عنوان نام خاص در aa7 و /yamšəspāl/ iamšəspāl یعنی «از سپاه یمش» در C6 به کار رفته است (Sims-Williams, 2010: 67-69). از /waxšyamš/ waxšyamš نیز پیش‌تر سخن رفت.

۲. مهر (/mīr/ μρο) در نام‌های خاص /burzmīrān/ βορζομιρο به معنای «مهر بلند» در J5, 7μροβαβορο /mīršābūr/ «مهرشاپور» در /mīr/ v4μρο J2, «مهر» در W10, 24' βορζομιρανο /mīrvandag/ «بنده مهر» در C9 و در نام خانوادگی /burzmīrān/ «برزمهر» به کار رفته است (BD2, p. 204; Sims-Williams, 2010: 51, 88-89, 92).

۳. ویش (/wēš/ οηβο) در نام‌های خاص «ویش‌داد» /wēšlād/ οηβλαδο به معنای «داده‌شده به وسیله ویش» در /wēšwarāz/ οηβοαραζο ab11, 20, 22 به معنای «گراز ویش» در J6 و /warāzwēš/ οαραζοοηβο مقلوب /wēšwarāz/ οηβοαραζο در L5, 5f, 9f, 28, 29', v1 به کار رفته است (Sims-Williams, 2010: 100, 106-107).

۴. ایزد ژون (/žūn/ ζονο) در نام خاص /žūnlād/ ζονολαδο به معنای «داده‌شده به وسیله ژون» در L8, 19, 23, 30, P3, 4f, Q5, 5f به کار رفته است (Ibid.: 65-66).

۵. ننا (/nanā/ νανα) در اسم خاص /nanēband/ νανηβανδο به معنای «بنده ننا» در M2, 7 به کار رفته است (Ibid.: 94).

توضیحات

الف. ایزد و خش

درباره این ایزد مارکوارت به متنی در آثار الباقیه بیرونی ذیل جشن‌های خوارزمیان اشاره می‌کند: «اسبندارمجی ... و روز دهم از آن جشنی است که و خشنکام نامند و و خش، نام فرشته موکل بر آب و به ویژه رود جیحون است»؛ و روی سکه‌های کوشانی، ایزد رودخانه و خش، به پیکر مردی با ماهی یا دلفین در دست چپ تصویر شده است (مارکوارت، ۱۳۶۸: ۴۱؛ 31-32; Markwart, 1938).

در متنی چینی، نوشته دوان چنگشی (Duan Chengshi) (۸۰۳-۸۶۳ م.) به پرستشگاهی نزدیک رود جیحون اشاره می‌شود که در آن خدای پرستشگاه، گهگاه، به صورت اسبی

زرین برمی خیزد. پانائینو معتقد است این پرستشگاه در بلخ قرار دارد و آن خدا تیشتر است (Panaino, 1995: 105-106). با ترکیب فرضیات مارکوارت و پانائینو چه بسا بتوان بدین نتیجه رسید که ایزد و خش همان ایزد تیشتر است (Montazeri & Sadri, 2016: 98-99).

ب. ایزد مهر

این ایزد در نام‌های خاص /burzmiir/ و /mīršābūr/ *μροβαβορο* به کار رفته است. این نام‌ها و نیز نام‌های خاص /mīr/ *μρο* ، /mīrmārēg/ *μρομαρηγο* ، /mīrvandag/ *μροβανδαγο* و ... نشان‌دهنده اهمیت ایزد مهر نزد بلخیان است. /mīrāsān/ *μροασανο* (املاهای دیگر *μροασανο* و *μροασανο*) در معنای خاور یا شرق است و از ایرانی باستان -*miθrāsāna** گرفته شده است. فارسی میانه آن *xwarāsāN* است. /mīrnəfrān/ *μροναφρανο* (املاهای دیگر *μροναφρανο* و *μροναφρανο* و ...) باختر یا غرب است و از ایرانی باستان -*miθra-nifrāna** گرفته شده است. پارتی آن *hwrnyfryn* است. از این گفته‌ها درمی‌یابیم که مهر (به بلخی *μρο* و *μρομρο*) در بلخ همان خورشید بوده و در سکه‌های کنیشکا جایگزین /hēlios/ *ηλιος* یونانی شده است. گفتار بالا دلیل دیگری بر درستی نظریه گرشویچ است که می‌گوید ایزد خورشید بودن مهر از ایران شرقی سرچشمه می‌گیرد. این سنت در زبان فارسی نو نیز به جای مانده است (BD2, 233-234; Gershevitch, 1954: 41; Montazeri & Sadri, 2016: 98-99; Sims-Williams & Cribb, 1996: 108, 110).



شکل ۱. مهر روی سکه‌های کوشانی (Staviskij, 1986: ii)

ج. ایزد ژون (به بلخی $\zeta\omicron\upsilon\upsilon\lambda\alpha\delta\omicron$ / $\zeta\omicron\upsilon\upsilon\lambda\alpha\delta\omicron$)

در نام خاص $\zeta\omicron\upsilon\upsilon\lambda\alpha\delta\omicron$ / $\zeta\omicron\upsilon\upsilon\lambda\alpha\delta\omicron$ به معنای «داده‌شده به وسیله ژون» به کار رفته است که ایزد ژون، خدای زابلستان در منابع چینی و عربی است. شدر و هومباخ ژون را همان ایزد ایرانی زروان می‌دانند (Sims-Williams, 2010: 66). بیرونی می‌نویسد: «در سرزمین دوار بتی بود که زون نامیده می‌شد و از زر ساخته شده بود و چشمانش دو یاقوت گران‌بها بودند. پس عبدالرحمن بن سمره دو یاقوت گران‌بها را از جای خود برداشت و دست بت را برید» (بیرونی، ۱۳۵۵: ۷۰). یاقوت حموی می‌نویسد:

داور و اهل آن ناحیه آن را زمنداور نامند و معنای آن زمین‌داور است و آن ولایت گسترده‌ای است که شهرها و روستاهایش در همسایگی ولایت رنج و بست و غور هستند. ... و هنگامی که عبدالرحمن بن سمره بن حبیب در دوران عثمان بر ناحیه سجستان پیروز شد از راه رنج به سوی داور پیش رفت. پس آنها را در کوه زون محاصره کرد. سپس او به همراه هشت هزار تن از مسلمانان با آنها صلح کرد و به زون اندر شد و آن بتی از زر بود که چشمانش دو یاقوت بودند. پس دستانش را برید و یاقوت‌ها را برگرفت» (حموی، ۱۹۶۵: ۵۴۱).

د. ایزد یمش

گره $\iota\alpha\mu\beta\omicron$ را / $yam\beta u$ می‌خوانند و آن را صورت دیگری از $\alpha\alpha\mu\omicron\beta\alpha\omicron$ ، یعنی شاه جمشید، می‌داند (کافری $Imro<yama-r\acute{a}ja-$ و سغدی $/imi/$ - $ymy-$ و فارسی میانه yam یا jam). تصویر ایزد یمش روی سکه‌ای زرین از فرمانروایی هوویشکای دوم آمده است (Grenet, 1984: 254).



شکل ۲. ایزد یمش با میغ وارغن در دست راست روی سکه هوویشکا (Grenet, 1984: 253)

در کتاب *الفرق بین الفرق* از پرستش شاه جمشید سخن رانده شده است (بغدادی، ۱۴۰۸: ۳۴۵).

۵. ویش

نام‌های خاص $\omega\eta\beta\lambda\alpha\delta\omicron$ /wēšlād/ که نام $\omega\eta\beta\omicron$ /wēš/ در آن به کار رفته است. این نام و نام‌های خاص $\omega\eta\beta\alpha\rho\delta\alpha\rho\omicron$ /wēšfardār/ و $\omega\alpha\rho\zeta\omega\omega\eta\beta\omicron$ /warāzwēš/، $\omega\eta\beta\mu\alpha\rho\delta\omicron$ /wēšmard/ نشان‌دهنده اهمیت ایزد $\omega\eta\beta\omicron$ نزد بلخیان است. کرب ویش $\omega\eta\beta\omicron$ را شکلی دیگر از شیوای هندی می‌داند، ولی هومباخ نشان داده است که ویش همان وایو ایزد بین اقوام هندوایرانی است (Sims-Williams & Cribb, 1996: 108; Sims-Williams, 2010: 106).



شکل ۳. ایزد ویش روی سکه‌های کوشانی (Staviskij, 1986: ii)

۶. ننا

نام ایزدبانوی بابل *vava* نام ایزدبانو ننا در ایران خاوری پرستش می‌شده است. نام و تصویر ننا روی سکه‌های کوشانی و ظرف‌های نقره از خوارزم و در نقاشی‌های دژرته دیده شده است. نام این ایزد در اسناد پارسی نَسادر و پرستشگاه آناهیتا به صورت ?yzn *mnystwkn* نوشته شده است. بنابراین، لیفشیتس معتقد است این ایزدبانوی میان‌رودانی جایگزین ایزدبانوی ایرانی آناهیتا شده است (Livshits, 1962: 44, 45; Grenet & Marshak, 2001:)

45. گیتی آذری معتقد است ایزدبانوی سومری-اکدی ننا همان ایزدبانوی ایرانی ارمیتی (Armaiti) است (Azarpay, 1976: 541). چون هیچ مدرکی از وجود پرستشگاه‌های کهن ارمیتی نداریم نگارندگان با این دیدگاه موافق نیستند.



شکل ۴. ایزدبانوی ننا روی سکه کوشانی (Staviskij, 1986: ii)

نکات دیگر

الف. در بررسی اسناد حقوقی بلخی تأثیر باورهای اسلامی در نگارش این اسناد را می‌بینیم، جایی که آخرین سند، یعنی سند Y، با عبارت /pid nām yezid/ $\pi\text{ido namo } \text{y}\acute{\epsilon}\text{z}\acute{\text{ı}}\text{d}$ «به نام ایزد (= خدا)» آغاز می‌شود. این سند در سال ۷۸۲ م. پس از هجوم تازیان به بلخ نوشته شده است و تأثیر سندنویسی مسلمانان را نشان می‌دهد که اسناد را با «بسم‌الله» آغاز می‌کردند (BD1: 144, 145).

ب. از اسناد اقتصادی بلخی درمی‌یابیم که در دوران پایانی ساسانی دین بودایی گسترش بیشتری داشته است، چون فقط در اسناد متأخرتر V و W از ساختن بهار (= دیر بودایی) سخن گفته شده است. همچنین، همه اصطلاحات بودایی وام‌واژه از سنسکریت‌اند (BD2, 174-75).

سخن پایانی

از اسناد اقتصادی و حقوقی بلخی درباره وضعیت ایزدان و نگرش دینی آن ناحیه چنین به دست می‌آید که:

۱. نظام قضایی و اقتصادی بلخ سکولار و غیردینی بوده و حتی پیمان ازدواج هم جنبه دینی ندارد (برخلاف ایران ساسانی و اسلامی). فقط در دوره متأخر آثار نظام بودایی و اسلامی در اسناد دیده می‌شود.

۲. از بررسی اسناد اقتصادی و حقوقی بلخی درمی‌یابیم که بلخیان ایزدان ایرانی یا جایگزین‌های محلی و سامی آنها را می‌پرستیده‌اند و باورهای بودایی، به جز اسناد متأخر، تأثیر کمی روی این اسناد داشته است.

۳. از سوی دیگر، می‌بینیم که ایزدان ایرانی پرستش شده در بلخ با راست‌کیشی زرتشتی ساسانیان هماهنگی ندارد تا آنجا که کمرد که در دین زرتشتی واژه‌ای اهریمنی است^۴ لقب ایزدی بلخی است. همچنین، ایزدان ایرانی غیرزرتشتی یمش و وخش و ایزد سامی ننا در بلخ پرستیده می‌شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مکانی در شمال افغانستان.
۲. مکانی در شمال افغانستان.
۳. مکانی در شمال افغانستان.
۴. «کمرد» همان «کمال» یا «کماریک» پارسی میانه است که واژه اهریمنی برای سر است.

منابع

بغدادی، ابومنصور (۱۴۰۸). *الفرق بین الفرق*، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: بی‌نا. حموی، یاقوت (۱۹۶۵). *معجم البلدان*، المجلد الثانی، تحقیق: ووستنفلد، طهران: اسدی. سیمزویلیامز، نیکلاس (۱۳۷۹). «رمز‌دایی از زبان بلخی: پرتوی تازه بر افغانستان باستان»، ترجمه: محمود جعفری دهقی، در: *زبان‌شناسی*، س ۱۵، ش ۲، ص ۸۳-۱۰۷.

مارکوارت، ژوزف (۱۳۶۸). *وهروود و ارنگ*، ترجمه با اضافات: داود منشی‌زاده، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

Azarpay, G. (1967). "Nana, the Sumero-Akkadian Goddess of Transoxiana", in: *Journal of the American Oriental Society*, 96: 536-42.

- Gershevitch, I. (1954). *Avestan Hymn to Mithra*, London: Cambridge University.
- Grenet, F. (1984). "Notes sur le Panthéon Iranien des Kouchans", in: *Studia Iranica*, 13: 253-261.
- Grenet, G.; Marshak, B. (2001). "Une Nouvelle Peinture Murale Sogdienne dans le Temple de Džartepa II", in: *Studia Iranica*, 30: 45-66.
- Livshits, V. (1962). *Yuridiceskie Dokumenty i Pisma*, Sogdiiskie Dokumenty c Gory Mug 2, Moskva.
- Markwart, J. (1938). *Wehrot und Arang*, Leiden: E. J. Brill
- Montazeri, S. S. R.; Sadri, A. E. (2016). "An Investigation into the Pantheon in Bactrian Economic Documents", in: *Religious Inquiries*, 5 (9): 95-104.
- Panaino, A. (1995). *Tištrya II: the Iranian Myth of the Star Sirius*, Roma: Instituto Italiano per Il Medio ed Estremo Oriente.
- Sims-Williams, N. (2000). *Bactrian Documents from Northern Afghanistan I: Legal and Economic Documents*, Oxford (=BD1).
- Sims-Williams, N. (2001). "Bactrian Legal Documents from 7th-8th Century Guzgan", in: *Bulletin of the Asia Institute*, 15: 9-29.
- Sims-Williams, N. (2007). *Bactrian Documents from Northern Afghanistan II: Letters and Buddhist Texts*, London (=BD2).
- Sims-Williams, N. (2010). *Bactrian Personal Names* (Iranisches Personennamenbuch, Band II Faszikel 7), Wien.
- Sims-Williams, N.; Cribb, Joe (1996). "A New Bactrian Inscription of Kanishka the Great", in: *Silk Road Art and Archeology*, 4: 75-142.
- Sims-Williams, N.; de Blois, F. (2005). "The Bactrian Calendar: New Material and New Suggestions", in: D. Weber (ed.), *Languages of Iran: Past and Present*, Wiesbaden, pp. 185-196.
- Staviskij, B. JA. (1986). *La Bactriane sous les Kushans*, Traduite du Russe par P. Bernard- M. Budra- F. Grenet- P. Leriche, Paris: Librairie d'Amérique et d'Orient.

References

- Azarpay, G. 1967. "Nana, the Sumero-Akkadian Goddess of Transoxiana". In: *Journal of the American Oriental Society*, no.96, pp.536-542.
- Baghdādī, Abūmanšūr. 1987. *The Difference between Sects (Al-Farq bayn al-Firaq)*, Researched by Muḥammad Muḥyī al-Dīn 'Abdulḥamīd, Beirut: n.pub. [in Arabic]
- Gershevitch, I. 1954. *Avestan Hymn to Mithra*, London: Cambridge University.
- Grenet, F. 1984. "Notes sur le Panthéon Iranien des Koucha". In: *Studia Iranica*, no.13, pp.253-261.
- Grenet, G.; Marshak, B. 2001. "Une Nouvelle Peinture Murale Sogdienne dans le Temple de Džartepa II". In: *Studia Iranica*, no.30, pp.45-66.
- Ḥimawī, Yāqūt. 1965. *Dictionary of Countries (Mu'jam al-Buldān)*, Researched by Wūstenfeld, Tehran: Asadī. [in Arabic]
- Livshits, V. 1962. *Yuridiceskie Dokumenty i Pisma*, Sogdiiskie Dokumenty c Gory Mug 2, Moskva.
- Markwart, J. 1938. *Wehrot und Arang*, Leiden: E. J. Brill
- Markwart, Joseph. 1989. *Wihrūd wa Arang*, Translated by Dāwūd Munshī-zādiḥ, Tehran: Endowments of Dr. Maḥmūd Afshār Yazdī. [in Farsi]
- Montazeri, S. S. R.; Sadri, A. E. 2016. "An Investigation into the Pantheon in Bactrian Economic Documents". In: *Religious Inquiries*, yr.5, no.9, pp.95-104.
- Panaino, A. 1995. *Tištṛya II: the Iranian Myth of the Star Sirius*, Roma: Istituto Italiano per Il Medio ed Estremo Oriente.
- Sims-Williams, N. 2000. *Bactrian Documents from Northern Afghanistan I: Legal and Economic Documents*, Oxford (=BD1).
- Sims-Williams, N. 2001. "Bactrian Legal Documents from 7th-8th Century Guzgan". In: *Bulletin of the Asia Institute*, no.15, pp.9-29.
- Sims-Williams, N. 2007. *Bactrian Documents from Northern Afghanistan II: Letters and Buddhist Texts*, London (=BD2).
- Sims-Williams, N. 2010. *Bactrian Personal Names (Iranisches Personennamenbuch, Band II Faszikel 7)*, Wien.

- Sims-Williams, N.; Cribb, Joe. 1996. "A New Bactrian Inscription of Kanishka the Great". In: *Silk Road Art and Archeology*, no.4, pp.75-142.
- Sims-Williams, N.; de Blois, F. 2005. "The Bactrian Calendar: New Material and New Suggestions". In: D. Weber (ed.), *Languages of Iran: Past and Present*, Wiesbaden, pp.185-196.
- Sims-Williams, Nicholas. 2000. "Decoding from Balkhi Language: A New Ray on Ancient Afghanistan", Translated by Maḥmūd Ja'farī Dihaqī. In: *Linguistics*, yr.15, no.15, pp.83-107. [in Farsi]
- Staviskij, B. JA. 1986. *La Bactriane sous les Kushans*, Traduite du Russe par P. Bernard- M. Budra- F. Grenet- P. Leriche, Paris: Librairie d'Amérique et d'Orient.